

تاکید پیشوایان دینی بر مدارا شگفت‌انگیز است

یک استاد دانشگاه معتقد است که با روشن شدن منطق قرآن و معصومین(ع) در مورد خشونت، بسیاری از نسبت‌های ناروایی که به دین داده شده است، پاک خواهد شد.



یک استاد دانشگاه معتقد است که با روشن شدن منطق قرآن و معصومین(ع) در مورد خشونت، بسیاری از نسبت‌های ناروایی که به دین داده شده است، پاک خواهد شد.

مصطفی دلشادتهرانی استادیار دانشگاه علوم حدیث در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، در پاسخ به اینکه امیرمومنان چه نظری درباره خشونت داشتند، گفت: در روایات امیرمؤمنان علی(ع) آمده است که زشت‌ترین چیز، درستی و خشونت است یا خشونت و درستی بدترین اخلاق است و هیچ خلق و خویی زشت‌تر از خشونت نیست.

تاکید پیشوایان دینی بر مدارا شگفت‌انگیز است

دلشاد ادامه داد: در آموزه‌های رسول خدا و پیشوایان دین چنان بر رفق و مدارا تأکید شده که مایه شگفتی است. در همین رابطه مرحوم شیخ کلینی حدیث مشهوری را به نام حدیث جنود عقل و جهل و در کتاب کافی از امام صادق(ع) روایت کرده است. در این حدیث، هفتاد ویژگی به عنوان ویژگی‌های شیطان و جهل و هفتاد ویژگی به عنوان ویژگی‌های رحمان و عقل مقابل هم قرار گرفته است. در این حدیث رفق و خرق مقابل هم‌اند، یعنی ملایمت و نرمی و مدارا از ویژگی‌های عقل و رحمان است و خشونت و درستی و تندى از ویژگی‌های جهل و شیطان.

این استادیار دانشگاه با بیان اینکه هر جا خشونت دیدید، از آن شیطان و جاهلیت است، گفت: در حدیثی که مرحوم شیخ صدوق در کتاب خصال روایت کرده است، امام صادق(ع) به یکی از یارانشان به نام عمار بن ابی احوص فرمودند: با مردم با خشونت و تندى رفتار نکنید. آیا نمی‌دانید سیاست و حکومت بنی امیه بر سه چیز استوار بود، خشونت، شمشیر و ستم و حکومت و سیاست ما بر این امور استوار است: نرمی و مدارا، الفت برقرار کردن و دل‌ها را به دست آوردن، رفتار و روابط اجتماعی نیکو داشتن، تقیه و ملاحظه مخالفان را کردن، پرواداری، کار، تلاش و خدمت کردن.

از نظر دین، مدارا هر چیزی را زیبا می‌کند

وی ادامه داد: در روایات ما در حدیثی از امیر مومنان آمده است که مدارا، مدیریت و نرمی بر هیچ چیز قرار نگیرد، مگر آنکه آن را زیبا کرد و خشونت و درستی بر هیچ چیزی قرار نگیرد، مگر آنکه آن را معیوب و زشت کرد. این سخن بیانی عمومی است و به این معناست که اگر هر کاری همراه با خشونت شود در نگاه معصومین زشت و زننده است و مدارا، ملایمت و نرمی هر چیزی را زیبا می‌کند.

امیر مومنان می‌فرمایند که مردم از خشونت می‌گریزند

دلشاد افزود: در خصوص نظر امیر مومنان(ع) در خصوص خشونت، ایشان بیان خوبی در این زمینه دارند و می‌فرمایند مردم از خشونت می‌گریزند.

دلشاد افزود: این همان بیانی است که خطاب به پیامبر در قرآن گفته شده است. دلیل این مساله آن است که فطرت آدمی از خشونت و تندى بیزار است و رحمت و ملایمت را دوست دارد. اساسا خدا انسان را این گونه آفریده است. بنابراین بهترین راه برای کسانی که می‌خواهند مردم را از دین‌گریزان کنند، این است که دین را به خشونت آلوده کنند. در این صورت مردم به صورت فطری از دین‌گریزان خواهند شد. پس به شدت باید از اصل خشونت‌زدایی که دین برای آن آمده است، مراقبت کرد.

دین انسان را به رحمت دعوت می‌کند

وی تصریح کرد: دین برای خشونت‌افزایی نیامده است، بلکه آمده است تا انسان‌ها را به رحمت دعوت کرده و رحمانی سازد. قرآن کریم توصیه می‌کند، حتی نسبت به دشمنان با عفو و صفح رفتار کنید. قرآن مکرر به پیامبر می‌گوید وقتی به تو حرفی زشت و یا بی‌ربط می‌گویند، رهاشان کن. بهترین راه در برابر کسانی که سخن زشتی می‌گویند این است که رهاشان کنی. وقتی شما عکس‌العملی در مقابل این افراد نشان می‌دهید، آن‌ها را تشدید و جری می‌کنید. یک بار هم در قرآن گفته نشده است که اگر کسی به شما بی‌احترامی، تندى و زشتی کرد، شما هم به او جواب بدهید، مگر اینکه کسی که زیر ستمی سخت یا شکنجه قرار گرفته است، ناخودآگاه حرف زشتی بگوید.

دلشاد به ادامه داد: چنان که در آیه 148 سوره نساء به آن اشاره شده است: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا: خداوند بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد مگر [از] کسی که بر او ستم رفته باشد و خدا شنوای داناست»؛ وگرنه اصل بر این است که خداوند فرمان داده است، مثلاً در آیه 112 سوره انعام: «... فَذَرَهُمْ وَمَا يَقْتَرُونَ: پس آنان

را با آن چه برمی بافند واگذار» و از این بالاتر در آیه 63 سوره فرقان است که : وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا: و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند.» این آموزه‌ها برای کجا، چه زمان و در برابر کیست؟ آیا راه و منطق دین روشن نیست؟!

امیرمومنان اجازه دشنام به معاویه و یارانش نمی‌دادند/ حضرت علی می‌فرمودند برای حفظ جان دشمنان دعا کنید وی تصریح کرد: امیر مومنان علی(ع) اجازه ندادند یارانش در جنگ صفین به معاویه و شامیان دشنام بدهند. ببینید تا چه اندازه جنبه رحمانی در این کار وجود دارد. ایشان پیشوای دین‌اند و دین را بهتر از همه می‌فهمند.

این استاد دانشگاه ادامه داد: حضرت علی (ع) دیدند که درهنگامه پیکار صفین، دو تن از یاران‌شان، حجر بن عدی و عمرو بن حمق به شامیان ناسزا می‌دهند. آنان را فراخواندند و گفتند من بیزارم که شما دشنام‌گو باشید. یاران امام تعجب کردند و گفتند که آیا معاویه و شامیان بر باطل و برپاکنده جنگ نیستند و تصورشان این بود که می‌توان در این صورت دشنام داد. حضرت فرمود: به جای دشنام دادن بگویید خدایا خون ما و خون آنان را از ریخته شدن حفظ بفرما! و میان ما و ایشان را اصلاح گردان! و آنان را از گمراهی‌شان به راه راست برسان! تا آن که حق را نمی‌داند آن را بشناسد و آن که بر مسیر دشمنی می‌رود و بر آن آزمند است بازایستد.

دلشاد افزود: این مطلب را نصر بن مزاحم منقروی در گذشته به سال 212 هجری در کتاب وقعه صفین و ابوحنیفه دینوری در گذشته به سال 282 در کتاب الاخبار الطوال آورده‌اند و شریف رضی بدون مقدمات خبر آن را در کلام 206 نهج البلاغه نقل کرده است.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: در جنگ صفین و در مقابله با معاویه و قاسطین، امیر مؤمنان نبرد را به تاخیر می‌انداخت و اجازه جنگ نمی‌داد و سعی می‌کرد کار به گفت‌وگو بکشد و راهی برای صلح گشوده شود. میان سپاه امام شایعاتی مطرح شد که یا حضرت امیر در باطل بودن ایشان تردید دارد و یا از مرگ می‌ترسد. حضرت این شایعات را شنیدند و نیروهایشان را جمع کردند و خطبه‌ای ایراد کردند که خطبه 55 نهج البلاغه است. ایشان در این خطبه فرمودند: اما گفته شما که این همه درنگ و به تأخیر انداختن نبرد به خاطر ناخوش داشتن مرگ است، به خدا سوگند که پروا ندارم که من به آستانه مرگ درآیم یا مرگ به سر وقت من آید و اما گفته شما که در جنگ با شامیان دودل مانده‌ام، به خدا سوگند که یک روز جنگ را واپس نیفکنده‌ام جز آن که امید داشتم گروهی از ایشان به سوی من آیند و به راه حق گرایند و به نور هدایت من راه پیمایند و این مرا خوش‌تر است تا شامیان را بکشم و گمراه باشند، هرچند که خود گردن گیرنده گناه باشند.

دلشاد با بیان اینکه ما متأسفانه رویکرد امیر مومنان را فراموش کرده‌ایم، گفت: امام صادق(ع) فرمودند امیر مومنان در جنگ‌هایی که به ناچار بود به دفاع برخیزد، سعی می‌کرد نبرد به بعد از ظهر کشیده شود، یعنی صبح جنگ شروع نشود. از این رو مدام مذاکره می‌کرد و تلاش می‌کرد که جنگ به بعد از ظهر کشیده شود. راوی سوال کرد برای چه؟ حضرت فرمود: برای اینکه زود هوا تاریک شود و تعداد کمتری کشته شوند و آنها بتوانند فرار کنند.

این استاد دانشگاه ادامه داد: منطق دین بر این است که حتی یک انسان کشته نشود و اگر یک انسان بی‌گناه و غیرمجرم کشته شود، چنان است که کل انسان‌ها کشته شده‌اند. در این میان تنها کسی که راه‌ها را به روی خود بسته و خود را از بین برده است، آن هم با هزار شرط و شروط کشته می‌شود و الا در دین مجوزی برای کشتن انسان‌ها وجود ندارد و خون‌ریزی بدترین و زشت‌ترین چیزها در منطق دینی است .

دلشاد در پایان گفت: امیرمومنان در بیانی مطرح کرده اند که جنگ و خون‌ریزی پدیده دوران جاهلیت بشر است. انسان دیندار و عاقل از جنگ بیزار خواهد بود. اصالت با صلح ست و جنگ امری عارضی، فرعی و ناچاری است. زمانی ما تن به جنگ می‌دهیم که همه راه‌ها بسته شده باشد. در صورتی که جنگ تحمیل شود، باید به شدت برخورد کرد و آنجا باید محکم بود و متجاوز را با شدت دفع کرد. اشدّ علی الکفار در این جا معنی پیدا می‌کند. با روشن شدن منطق قرآن و معصومین (ع) در مورد خشونت، بسیاری از نسبت‌هایی که به دین زده‌اند پاک خواهد شد.